

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شاخص عربی ۲۰۱۶

گزیده پژوهش‌های جهان: شاخص عربی ۲۰۱۶

بررسی و نظارت: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران -

معاونت پژوهشی

ترجمه و تلخیص: محمد خواجه‌جویی

تاریخ انتشار: ۹۶/۵/۷

تلفن و دورنگار: ۷ - ۸۸۷۵۶۲۰۵

صندوق پستی: ۳۸۴۹ - ۱۵۸۷۵

نشانی اینترنت: www.tisri.org

کلیه حقوق مادی و معنوی این گزارش متعلق به مؤسسه تهران است. تکثیر، انتشار و یا واگذاری آن به دیگران به هرصورت و بدون اجازه کتبی این مؤسسه مجاز نمی‌باشد.



شاخص عربی ۲۰۱۶

«**شاخص عربی ۲۰۱۶**» پنجمین نسخه از نظرسنجی سالیانه عربی است که در دوازده کشور عربی: عربستان، کویت، عراق، اردن، فلسطین، لبنان، مصر، سودان، تونس، الجزایر، مراکش، و موریتانی در بازه زمانی سپتامبر تا دسامبر ۲۰۱۶ (شهریور تا آذر ۱۳۹۵) اجرا شده است. نمونه‌گیری در این شاخص، به شیوه طبقه‌ای، خوشه‌ای، نظام‌مند، چندمرحله‌ای و خودمتوازن بوده و نمونه‌های اخذشده با ضریب خطای دو تا سه درصد نمایانگر نظرهای مردم در جوامع یادشده‌اند.

این نظرسنجی به شیوه مصاحبه رودررو با جامعه آماری بالغ بر ۱۸۳۱۰ شخص از کشورهای یادشده به‌دست آمده که از این لحاظ بزرگ‌ترین نظرسنجی انجام‌گرفته در سطح کشورهای عربی به‌شمار می‌آید. برای تهیه این نظرسنجی، ۴۵ هزار ساعت زمان اختصاص یافت و ۸۴۰ نفر در تهیه آن همکاری داشتند که نیمی از آنها را خانم‌ها تشکیل می‌دادند. پژوهشگران میدانی برای اجرای این طرح، مسافتی بیش از ۷۶۰ هزار کیلومتر را پیموده‌اند.

بخش اول: وضعیت کلی مردم در کشورهای عربی درآمد خانوار

بیست درصد از پاسخ‌دهندگان در کشورهای عربی علاوه‌براینکه درآمد خانواده‌شان را برای تأمین مایحتاج ضروری زندگی کافی خواندند؛ امکان پس‌انداز مقداری از درآمد را نیز داشته‌اند. ۴۹ درصد از آنها درآمدشان را برای تأمین مایحتاج خود کافی دانستند بدون اینکه قادر به پس‌انداز بخشی از درآمد خود باشند. در این میان، ۲۹ درصد از جامعه آماری گفته‌اند که درآمدشان کفاف مایحتاج ضروری زندگی را نمی‌دهد.

از بین خانواده‌های نیازمند، ۵۳ درصد مجبور به قرض گرفتن از دوستان و آشنایان و یا



از مؤسسه‌های مالی و بانک‌ها می‌شوند. بیست درصد، از کمک‌های مالی دوستان و بستگان استفاده می‌کنند و نه درصد نیز متکی به مساعدت‌هایی هستند که از جمعیت‌های خیریه و دولت دریافت می‌کنند. این بدان معناست که شیوه‌های سنتی کمک به نیازمندان هنوز هم پررنگ‌تر از مساعدت نهادها و مؤسسات امدادسانی است.

وضع امنیتی

۵۹ درصد از پاسخ‌دهندگان به نظرسنجی، سطح امنیت کشورشان را خوب توصیف کردند و در مقابل، ۴۹ درصد نیز اوضاع امنیتی را بد دانستند. این نتیجه نشان می‌دهد که وضع امنیت در کشورهای عربی با توجه به نتیجه به‌دست‌آمده از نظرسنجی سال‌های ۲۰۱۲، ۲۰۱۳، ۲۰۱۴، و ۲۰۱۵ روند مثبتی را طی کرده است.

وضعیت اقتصادی

۴۱ درصد از جامعه آماری، وضعیت اقتصادی کشورشان را خوب توصیف کردند. در مقابل، ۵۷ درصد از پاسخ‌دهندگان آن را بد خواندند.

وضعیت سیاسی

۴۳ درصد اوضاع سیاسی کشورشان را خوب و ۵۵ درصد بد توصیف کردند که در مقایسه با سال ۲۰۱۵ رشد منفی نشان می‌دهد. ۴۴ درصد از پاسخ‌دهندگان مسائل اقتصادی مانند بیکاری، فقر و افزایش قیمت کالاها را به‌عنوان اولویت‌های خود اعلام کردند. مسائل امنیتی و ثبات سیاسی در کشور اولویت هیجده درصد از مردم است و بیست درصد نیز به موضوعاتی همچون عملکرد و سیاست‌های دولت، دموکراسی، ضعف خدمات عمومی و فساد مالی و اداری اهمیت می‌دهند.

۲۴ درصد از جامعه آماری به مهاجرت از کشورشان تمایل نشان دادند و تلاش برای سروسامان دادن به وضع اقتصادی را مهم‌ترین انگیزه خود از مهاجرت اعلام کردند. حدود یک‌پنجم از پاسخ‌دهندگان نیز بی‌ثباتی امنیت در کشورشان را دلیل تمایل خود برای مهاجرت خواندند. تحلیل نتایج به‌دست‌آمده از پاسخ‌ها نشان داد که ۹۵ درصد از افراد علاقه‌مند به مهاجرت در اردن، الجزایر و موریتانیا، اهداف اقتصادی دارند؛ در حالی که حدود یک‌سوم عراقی‌ها، یک‌سوم لبنانی‌ها، یک‌چهارم فلسطینی‌ها و یازده درصد مصری‌ها به دلایل امنیتی، مهاجرت را ترجیح می‌دهند. پاسخ شرکت‌کنندگان در نظرسنجی به سؤالی درباره کشورهای تهدیدزا علیه آنها، به تفکیک کشور متبوع آنها متفاوت بود؛ اما روی هم‌رفته



۳۲ درصد از مردم در جهان عرب، رژیم صهیونیستی را بزرگ‌ترین تهدید علیه خود دانستند. چهارده درصد از آنها معتقدند که آمریکا مهم‌ترین تهدید برای کشورشان به‌شمار می‌آید و ایران به باور ده درصد از پاسخ‌دهندگان در رتبه سوم کشورهای تهدیدزا قرار دارد.

بخش دوم: نهادهای دولتی و عملکرد دولت

نهادهای دولتی

نظر شهروندان عرب به نهادهای دولتی به تفکیک کشورهای مختلف متفاوت است. در مقایسه با سه قوه قضائیه، مجریه، و مقننه، مردم به نهادهای نظامی یا شبه‌نظامی به‌ویژه ارتش اعتماد بیشتری دارند. در این میان، مجالس قانون‌گذاری کمترین میزان از اعتماد عمومی را به خود اختصاص داده است.

شرکت‌کنندگان در این نظرسنجی ارزیابی متفاوتی در مورد عملکرد نظارتی مجالس قانون‌گذاری در زمینه نقش نظارتی مجلس بر دولت‌ها و نظارت بر هزینه‌کرد دولت، و همچنین نقش مجلس در حمایت از قشرهای مختلف جامعه، وضع قوانین حامی آزادی‌های مردم ابراز داشتند. نیمی از آنها معتقد بودند مجلس در این زمینه‌ها به وظیفه خود عمل می‌کند و نیم دیگر نظر عکس آن داشتند.

سیاست‌های خارجی و اقتصاد

پاسخ‌دهندگان درباره سیاست خارجی و سیاست‌های اقتصادی کشور در پاره‌ای از مسائل، به‌طور کلی رویکردی منفی داشتند. حدود ۴۳ درصد تا پنجاه درصد از مردم (به تفکیک کشورها) عملکرد دولت در این زمینه را مثبت ارزیابی کردند؛ ولی بیشتر مردم آن را منفی قلمداد کردند.

فساد مالی

افکار عمومی در خصوص انتشار فساد مالی و اداری در کشورهايشان شبه اجماع داشتند؛ به‌گونه‌ای که ۹۳ درصد از شرکت‌کنندگان در نظرسنجی اصل وجود فساد را در کشورشان (با درجات متفاوت) تأیید کردند. در مقابل، تنها چهار درصد از مردم معتقد بودند که فساد به‌هیچ‌عنوان در کشورشان وجود ندارد. این نتیجه با نتیجه نظرسنجی سال ۲۰۱۱ کاملاً مطابقت دارد و هیچ تغییری نکرده است.

پاسخ‌دهندگان همچنین در خصوص جدیت دولت‌ها در مبارزه با فساد مالی و اداری نیز



نظریات متفاوتی ابراز داشتند؛ ۲۴ درصد معتقد بودند که دولت قانون را به‌طور مساوی در بین شهروندان اجرا می‌کند، اما ۵۴ درصد قائل به جانبداری دولت از یک گروه یا طیف خاص در اجرای قانون بودند. بیست درصد نیز بر این باور بودند که دولت به‌هیچ‌عنوان در اجرای قانون بین مردم مساوات را مراعات نمی‌کند. ۵۸ درصد از جامعه آماری معتقد به وجود قضاوت عادلانه در کشورشان هستند؛ اما چهل درصد وجود عدالت در قضاوت را رد کردند. به این ترتیب، افکار عمومی جهان عرب در مسئله جدیت دولت در مبارزه با فساد مالی و اداری دچار دودستگی است.

بخش سوم: دموکراسی

مردم کشورهای عربی توانایی ارائه تعریف از دموکراسی را دارند و ۸۹ درصد از پاسخ‌دهنده‌ها تعریف بامحتوایی از دموکراسی ارائه دادند. ۳۳ درصد از مردم دموکراسی را به معنی آزادی‌های سیاسی و مدنی دانسته و ۲۶ درصد آن را تضمین‌کننده مساوات و عدالت در بین شهروندان معنی کردند. شش درصد از آنها دموکراسی را به معنی امنیت و ثبات و هفت درصد نیز به معنی بهبود وضعیت اقتصادی دانستند.

بیشتر پاسخ‌دهندگان با این طرز فکر که دموکراسی معانی منفی در خود دارد (مانند تعارض داشتن با اسلام و...) با آن مخالف بودند. بیشتر شرکت‌کنندگان در نظرسنجی (۷۲ درصد) نظام مبتنی بر دموکراسی را تأیید کردند و ۲۲ درصد نیز با آن مخالف بودند. ۷۷ درصد از مردم نظام مبتنی بر دموکراسی را در مقایسه با نظام‌های دیگر، برای کشورشان مناسب‌تر دانستند و مخالفت خود را با حکومت دیکتاتوری و نظام‌هایی که رقابت در آن بین احزاب مشخصی جریان دارد (اعم از احزاب مذهبی و غیرمذهبی) و نیز حکومت مبتنی بر دین بدون اجرای انتخابات و مشارکت احزاب سیاسی ابراز داشتند. ۵۴ درصد از پاسخ‌دهنده‌ها حاضر بودند با به قدرت رسیدن حزب سیاسی مخالف خود در صورت پیروزی در رأی‌گیری کنار بیایند و چهل درصد حاضر به پذیرش آن نبودند. این نتیجه با سال ۲۰۱۱ تفاوت چندانی ندارد، به‌جز اینکه تعداد مخالفان اندکی افزایش یافته است. ۳۹ درصد از آنها معتقدند نمی‌توان بدون هیچ‌گونه ترسی از دولت انتقاد کرد. در کشورهایی مانند مصر، سودان و فلسطین اکثر مردم عنوان داشتند که نمی‌توانند بدون هیچ‌گونه ترس و نگرانی از دولت انتقاد کنند.



بخش چهارم: مشارکت سیاسی و مدنی

مردم در کشورهای عربی در مورد سیاست‌های کشورشان اهتمام نشان می‌دهند. البته این توجه و اهتمام مردمی در سال ۲۰۱۶ در مقایسه با سال ۲۰۱۵ کاهش نشان می‌دهد و به نتایج به‌دست‌آمده در شاخص ۲۰۱۱ نزدیک‌تر است. در کشورهای عربی بیشتر پاسخ‌دهندگان (۶۸ درصد) اخبار سیاسی را از طریق شبکه‌های تلویزیونی دنبال می‌کنند و سیزده درصد نیز به شبکه اینترنت اتکا دارند. در رتبه سوم رادیو و روزنامه‌ها قرار دارد که هرکدام توجه شش درصد از آنها را به خود جلب کرده است. چهارده درصد از شرکت‌کنندگان از روی تمایل، در سازمان‌های مدنی و محلی عضویت دارند.

۵۳ درصد از آنها در کشورهای عربی به هیچ حزب سیاسی وابسته نیستند و معتقدند هیچ حزب سیاسی که بیانگر نظر و خواسته‌شان باشد در کشورشان وجود ندارد. آن دسته از کسانی که معتقد به وجود احزاب سیاسی نماینده آنها در کشور بودند بیشتر در موریتانی، مراکش، تونس، الجزایر، عراق، و لبنان تمرکز داشتند. ۳۷ درصد از پاسخ‌دهندگان گفتند که از اینترنت استفاده نمی‌کنند. در مقابل، ۶۱ درصد از مردم به اندازه‌های مختلف از اینترنت استفاده می‌کنند. این نتیجه در مقایسه با نظرسنجی سال‌های گذشته نشان از افزایش تعداد کاربران اینترنتی دارد. ۸۲ درصد از کاربران اینترنت عضو فیس‌بوک هستند و ۳۳ درصد آنها از توئیتر استفاده می‌کنند. ۲۲ درصد عضو اینستاگرام و ۲۳ درصد نیز از اسنپ‌چت استفاده می‌کنند.

با توجه به کاربردهای مختلف شبکه‌های ارتباط جمعی، سؤال‌هایی برای پاسخ‌دهنده‌ها طرح شد تا میزان استفاده آنها از این شبکه‌ها به‌منظور دستیابی به اخبار و اطلاعات سیاسی و نیز اظهارنظر و واکنش به رویدادهای سیاسی مشخص شود. نتایج نشان داد که هفتاد درصد از کاربران این شبکه‌ها از آن در جهت دستیابی به اخبار و اطلاعات سیاسی استفاده می‌کنند و ۳۳ درصد از آنها به‌طور روزمره و بیش از یک بار به این شبکه‌ها مراجعه می‌کنند. ۶۸ درصد از دارندگان حساب در شبکه‌های ارتباط جمعی از این شبکه‌ها برای بیان نظر و دیدگاه خود درباره مسائل سیاسی استفاده می‌کنند و نوزده درصد از آنها به‌طور روزانه و چند بار در شبانه‌روز به آن شبکه‌ها مراجعه می‌کنند. در این میان، ۵۱ درصد از کاربران شبکه‌های ارتباط جمعی نیز از این شبکه‌ها برای واکنش نشان دادن به مسائل سیاسی استفاده می‌کنند.



بخش پنجم: نقش دین در زندگی عمومی و سیاسی

از نظر پایبندی به دین، مردم کشورهای عربی سه دسته‌اند: ۶۵ درصد خود را تاحدودی متدین معرفی کردند، بیست درصد خود را بسیار متدین دانستند و یازده درصد نیز گفتند که متدین نیستند. شصت درصد از پاسخ‌دهندگان پایبندی به ارزش‌های اخلاقی را ملاک متدین بودن شخص عنوان کردند و بیشتر آنها با این مقوله که «افراد غیرمتدین آدم‌های بدی هستند» مخالفت کردند. همچنین، بیشتر شرکت‌کنندگان در نظرسنجی با کافر دانستن معتقدان به دین‌های دیگر و دارندگان تفسیرهای متفاوت از دین مخالف بودند.

با وجود اینکه اکثریت پاسخ‌دهندگان جزو متدینین بودند بیشتر آنها در تعاملات اقتصادی، اجتماعی، و سیاسی تفاوتی بین متدین و غیرمتدین قائل نبودند. بیشتر آنها با تأثیرگذاری شیوخ/ روحانیان بر تصمیم‌گیری‌های دولت و نظر رأی‌دهندگان مخالف بودند. همچنین، بیشتر پاسخ‌دهندگان با استفاده دولت از دین برای کسب تأیید بیشتر مردم نسبت به سیاست‌های دولت مخالفت کردند و استفاده از دین در انتخابات توسط نامزدها برای جلب نظر مردم را رد کردند.

مردم در کشورهای عربی در مسئله جدایی دین از سیاست به دو دسته تقسیم می‌شوند: عده‌ای طرفدار جدایی دین از سیاست هستند که این عده با ۵۳ درصد اندکی بیشتر از ۴۱ درصد مخالفان جدایی دین از سیاست هستند.

بخش ششم: ملت‌های عرب

۷۷ درصد از پاسخ‌دهندگان معتقدند که ملت‌های منطقه با وجود تفاوت‌ها در حکم یک امت‌اند. درمقابل، نوزده درصد قائل به تفاوت بین ملت‌ها بوده و رابطه فیما بین آنها را ضعیف خواندند. مردم در کشورهای عربی اعتمادی به سیاست‌های قدرت‌های فرامنطقه‌ای و منطقه‌ای درقبال کشورهای عربی ندارند و تقریباً متفق‌القول‌اند که سیاست‌های آمریکا، روسیه، و رژیم صهیونیستی درقبال کشورهای عربی منفی است. همچنین بیشتر آنها سیاست‌های فرانسه را منفی ارزیابی کردند. دیدگاه مردم در جهان عرب نسبت به سیاست‌های آمریکایی، روسی، ایرانی، فرانسوی، و ترکی در سال ۲۰۱۶ نسبت به شاخص‌های به‌دست‌آمده در سال‌های ۲۰۱۴ و ۲۰۱۵ رشد منفی نشان می‌دهد.

۷۹ درصد از شرکت‌کنندگان در نظرسنجی، سیاست‌های ایالات متحده درقبال فلسطین



را بد یا بسیار بد ارزیابی کردند که این عدد در مورد سوریه و عراق به ترتیب ۷۷ درصد و ۷۸ درصد است.

حدود دو سوم آنها نیز سیاست‌های روسیه در قبال فلسطین، سوریه، عراق، یمن، و لیبی را بد یا بسیار بد و بیشتر آنها (۵۷ درصد تا ۵۹ درصد) سیاست‌های فرانسه را در قبال فلسطین، سوریه، عراق، یمن، و لیبی را منفی ارزیابی کردند.

افکار عمومی درباره سیاست‌های ترکیه در قبال سوریه، عراق، یمن، و لیبی به دو دسته تقسیم می‌شود: ۴۳ درصد تا ۴۵ درصد از مردم آن را بد می‌دانند و ۴۳ درصد تا ۳۸ درصد آن را خوب ارزیابی می‌کنند.

شرکت‌کنندگان در نظرسنجی، دیدگاه خود را درباره عوامل تهدیدزا علیه امنیت و ثبات کشورهای عربی به این صورت اعلام کردند: ۸۹ درصد پاسخ‌دهندگان سیاست‌های رژیم صهیونیستی را تهدیدی برای امنیت و ثبات منطقه می‌دانند و ۸۱ درصد از آنها سیاست‌های آمریکا را خطری برای ثبات منطقه عنوان می‌کنند. به ترتیب ۶۹ و ۵۹ درصد نیز معتقدند که سیاست‌های روسیه و فرانسه تهدیدی علیه امنیت و ثبات منطقه است.

افکار عمومی جهان عرب (۷۵ درصد از شرکت‌کنندگان در نظرسنجی) مسئله فلسطین را مسئله همه عرب‌ها و نه یک مسئله صرفاً فلسطینی می‌داند و بیشتر آنها با قراردادهای صلح امضا شده بین کشورهای عربی و رژیم صهیونیستی (کمپ دیوید، اسلو، و وادی عرب) ابراز مخالفت کردند. ۸۶ درصد مخالف به رسمیت شناختن رژیم صهیونیستی از سوی کشورشان بوده و نه درصد با آن موافقت.

نیمی از افرادی که موافق به رسمیت شناختن رژیم صهیونیستی بودند آن را منوط به تشکیل دولت مستقل فلسطین کردند. مخالفان به رسمیت شناختن رژیم صهیونیستی چند دلیل برای این موضع‌گیری خود بیان کردند که عمدتاً به عواملی همچون خوی استعماری و نژادپرستانه رژیم صهیونیستی، و زیاده‌خواهی و ادامه اشغال اراضی فلسطین به دست این رژیم مربوط می‌شد. ۶۸ درصد از پاسخ‌دهندگان بر این باورند که رژیم صهیونیستی و آمریکا با هم بزرگ‌ترین خطر برای جهان عرب به‌شمار می‌آیند. ایران با ده درصد در رتبه سوم قرار داشت. همچنین، ۶۴ درصد آنها با تبدیل خاورمیانه به منطقه عاری از سلاح هسته‌ای موافقت می‌کنند؛ اما به‌خاطر برخورداری رژیم صهیونیستی از سلاح هسته‌ای نظر خود را تغییر دادند.



بخش هفتم: انقلاب‌های عربی

نتایج نظرسنجی نشان داد که جهان عرب درقبال انقلاب‌های بهار عربی و تحولات آن دچار دودستگی شده است. ۴۱ درصد از پاسخ‌دهنده‌ها این انقلاب‌ها را مثبت و پنجاه درصد آن را منفی دانستند. نگاه مثبت به این انقلاب‌ها در نظرسنجی سال ۲۰۱۶ نسبت به سال ۲۰۱۵ اندکی رشد داشته؛ اما همچنان کمتر از نتیجه نظرسنجی سال‌های ۲۰۱۲، ۲۰۱۳، و ۲۰۱۴ است.

برای شناخت بیشتر نظر مردم درباره انقلاب‌های عربی و تحرکات اعتراض‌آمیز مردمی در سال ۲۰۱۱ و نیز ارزیابی دیدگاه مردم نسبت به انقلاب‌ها و راهی تحولات و مسائلی که پس از آن روی داد این سؤال مطرح شد که اگر به سال ۲۰۱۱ برگردیم و شما با انقلاب و اعتراض‌های مردمی مواجه شوید چه موضعی خواهید گرفت؟ در پاسخ، ۵۱ درصد موضع مثبت و ۴۱ درصد موضع منفی گرفتند. ۴۲ درصد از پاسخ‌دهندگان معتقد بودند انقلاب‌های عربی و اعتراض‌های مردمی با انگیزه ضداستبدادی و برای مبارزه با ظلم برقراری دموکراسی و برابری به پا شد؛ ۲۵ درصد نیز معتقد بودند انگیزه این انقلاب‌ها ضدیت با فساد بود. سه درصد نیز تفسیرهای دیگری داشتند که از موضع ضدیت این افراد با این انقلاب‌ها نشئت می‌گرفت.

دیدگاه مردم در کشورهای عربی نسبت به وضعیت کنونی انقلاب‌های بهار عربی و آینده آن با خوش‌بینی و بدبینی همراه بود. ۴۵ درصد از شرکت‌کنندگان در نظرسنجی معتقدند این انقلاب‌ها به شکست انجامیده؛ اما درنهایت موفق خواهد شد اهداف خود را محقق سازد. ۳۹ درصد معتقد بودند بهار عربی تمام شده و نظام‌های قبلی به حکومت بازگشته‌اند. این نتیجه نشان‌دهنده تحول مهمی در افکار عمومی جهان عرب است؛ زیرا در نظرسنجی سال ۲۰۱۴ حدود دو سوم مردم نسبت به تحقق اهداف انقلاب‌ها ابراز خوش‌بینی کرده بودند؛ اما ادامه وضعیت آشوب و بی‌نظمی در برخی کشورها و تمایل برخی نظام‌ها به دیکتاتوری باعث شده نگاه خوش‌بینانه مردم به این انقلاب‌ها کم‌رنگ شود.

افزایش نفوذ جنبش‌های اسلام سیاسی و نیز نفوذ جنبش‌های سکولار و غیراسلامی از عواملی است که مردم از ناحیه آن احساس نگرانی می‌کنند. ۵۲ درصد از پاسخ‌دهنده‌ها اعلام کردند که نسبت به جنبش‌های اسلام سیاسی ترس و نگرانی دارند و ۴۲ درصد وجود چنین حسی را نفی کردند. ۵۹ درصد نسبت به جنبش‌های سکولار احساس نگرانی داشتند و



۳۳ درصد منکر وجود آن بودند.

وجود نگرانی و ترس از جنبش‌های اسلامی و سکولار در آن واحد نشان از حالت دودستگی در افکار عمومی جهان عرب دارد. عدم تفاهم بین این دو جریان و ناتوانی آنها در از بین بردن نگرانی‌های مردم مانعی در برابر تحولات دموکراتیک به‌شمار می‌آید و فرصتی برای دستگاه‌ها و مؤسسه‌های غیردموکراتیک فراهم می‌کند که با سوءاستفاده از این نگرانی‌ها به سمت دیکتاتوری بیشتر پیش بروند.

بخش هشتم: داعش

۹۹ درصد از پاسخ‌دهندگان در کشورهای عربی معتقدند که داعش را می‌شناسند. برخلاف ۳۳ درصد که اهمیتی به دنبال کردن اخبار داعش نمی‌دهند، ۶۶ درصد از مردم این اخبار را دنبال می‌کنند. این نتیجه گویای آن است که در مقایسه با سال‌های ۲۰۱۴ و ۲۰۱۵ توجه مردم به این موضوع کاهش پیدا کرده است.

۷۵ درصد از جامعه آماری اخبار مربوط به داعش را از طریق تلویزیون و بقیه از طریق اینترنت دنبال می‌کنند.

۸۹ درصد آنها نگاه منفی به داعش دارند و تنها دو درصد نسبت به آن نظر بسیار مثبتی ابراز کردند. سه درصد نیز دیدگاه تقریباً مثبتی به آن داشتند. این درحالی است که در سال ۲۰۱۴، تعداد کمتری از پاسخ‌دهندگان یعنی ۸۵ درصد درباره داعش نظر منفی داشتند و تعداد طرفداران آن در سال ۲۰۱۴ به حدود چهار درصد بالغ می‌شد.

نگاه مثبت به داعش در بین «بسیار متدین‌ها» و «غیرمتدین‌ها» به یک اندازه رواج داشت؛ همچنان که تعداد افراد مؤید داعش بین «موافقان جدایی دین از زندگی عمومی مردم» و مخالفان آن به یک اندازه بود، این نشان می‌دهد که نگاه مثبت به داعش به معنی همسویی با افکار این گروه و ناشی از انگیزه‌های دینی نیست؛ بلکه به عوامل دیگری همچون موضع‌گیری‌های سیاسی کلی درقبال مسائل منطقه مربوط می‌شود.

هفده درصد از پاسخ‌دهندگان، پیروزی‌های نظامی داعش را مهم‌ترین عامل قدرت داعش از دید طرفدارانش می‌دانند و چهارده درصد نیز علت آن را التزام آنها به اصول اسلام، دوازده درصد به خاطر مبارزه داعش با غرب، و یازده درصد به سبب ادعای داعش در دفاع از اهل سنت می‌دانند.



بیشتر شرکت‌کنندگان در نظرسنجی عوامل سیاسی مربوط به جریان‌ات منطقه‌ای و پیروزی‌های نظامی داعش را از عوامل قدرت گرفتن داعش در بین طرفدارانش دانستند و ۲۹ درصد نیز به تأثیر عوامل دینی در این زمینه اشاره کردند.

مردم در کشورهای عربی دلایل مختلفی برای پیوستن جنگجویان عرب به داعش ذکر می‌کنند؛ مسائل داخلی کشورهای متبوع با چهل درصد مهم‌ترین نقش را در این زمینه داشته است. ۲۲ درصد نیز به عوامل اقتصادی مانند فقر و بیکاری برمی‌گردد. سیاست‌های داخلی کشورها مانند نبود برابری و به حاشیه رانده شدن نیز با هفت درصد در رتبه بعدی قرار گرفته است. هیچ‌ده درصد از پاسخ‌دهنده‌ها پیوستن به داعش را نتیجه تبلیغات و شستشوی مغزی افراد دانستند و هفده درصد آن را به عوامل دینی ربط دادند. همچنین هفت درصد انگیزه‌هایی همچون جنگ با نظام حاکم بر کشورها و گروه‌ها و طرف‌های خارجی موجود در سوریه و عراق را دلیل پیوستن افراد به داعش دانستند.

۲۹ درصد داعش را برآمده از درگیری‌ها و نزاع‌های منطقه دانسته و ۵۸ درصد آن را ساخته و پرداخته طرف‌های خارجی نامیدند و ۳۵ درصد از پاسخ‌دهندگان داعش را نتیجه سیاست‌های اجرا شده توسط حکومت‌های عربی دانستند، و ۴۳ درصد نیز آن را ناشی از تعصب و افراط‌گرایی در جوامع خواندند.

شرکت‌کنندگان در نظرسنجی نظر یکسانی به موضوع جنگ با تروریسم و نابودی داعش نداشت؛ هفده درصد از آنها معتقد به لزوم تشدید حملات نظامی علیه داعش بودند، پانزده درصد از تغییرات دموکراتیک حمایت کردند، و عده‌ای نیز حل مشکل فلسطین را راه‌حل این مشکل می‌دانند. دوازده درصد هم معتقدند که بهترین راه، حل مشکل سوریه و پاسخ مثبت به خواسته‌های مردم سوریه است.

اختلاف نظر در افکار عمومی حول راه‌حل مناسب برای نابودی تروریسم و داعش، به درک و برداشت ترکیبی و چندلایه مردم از این پدیده برمی‌گردد که این مسئله اقدامات سیاسی و حرکت به سمت دموکراسی و حل بحران‌های منطقه‌ای را در کنار تلاش نظامی اجتناب‌ناپذیر می‌سازد.

۴۵ درصد از پاسخ‌دهنده‌ها، تغییر دموکراتیک و پاسخ مثبت به خواسته‌های مردم سوریه و تغییر سیاست دولت عراق و مصالحه در لیبی و توقف دخالت‌های خارجی را مهم‌ترین اقدام برای مبارزه با داعش دانستند که همگی به‌نوعی در چهارچوب تغییرات دموکراتیک



قرار می‌گیرند. چهارده درصد نیز حل مشکل فلسطین و پایان اشغالگری و تحقق عدالت در حق مردم فلسطین را مهم‌ترین اقدام در این زمینه نامیدند؛ این بدان معناست که ۵۹ درصد از پاسخ‌دهندگان مسائل مربوط به دموکراسی و عدالت را در مقابله با تروریسم و افراط‌گرایی مؤثر دانستند.

